پژوهشنامه حج و زیارت
سال دهم، شماره بیست و ششم
بهار و تابستان ۱۴۰۴
صفحات ۱۵۳ - ۱۸۳

چالش‌ها و تهدیدات سیاسی، امنیتی و طبیعی مناسک حج در دوره اول خلافت عباسیان (۱۳۲-۲۳۲ ق)

مسلم میرزاوند[۱]

چکیده

حج، به‌عنوان یکی از ارکان اصلی دین اسلام، همواره جایگاهی ویژه در وحدت دینی و اجتماعی مسلمانان داشته است. در این چارچوب، دوره نخست خلافت عباسیان (۱۳۲ـ۲۳۲ق) با وجود اهمیت راهبردی حج، با مجموعه‌ای از چالش‌های چندوجهی روبه‌رو شد که ابعاد سیاسی، امنیتی و حتی طبیعی آن به‌طور مستقیم بر امکان برگزاری مناسک حج اثر گذاشت. پژوهش حاضر می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که مناسک حج در این دوره با چه تهدیدهایی مواجه بوده و این تهدیدها چه پیامدهایی برای نظم و امنیت عمومی حج داشته است.

هدف اصلی این پژوهش، شناسایی و تحلیل ابعاد مختلف این چالش‌ها و بررسی آثار امنیتی آنهاست. برای دستیابی به این هدف، از روش کتابخانه‌ای و رویکرد توصیفی ـ تحلیلی استفاده شده است؛ بدین منظور با گردآوری و مطالعه منابع معتبر، ضمن توصیف وقایع، علل و پیامدهای تهدیدات امنیتی حج ارزیابی و تحلیل شده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد ناآرامی‌های سیاسی و مذهبی داخلی، شورش‌های قبیله‌ای و ناامنی مسیرها، همراه با

۱. دکترای تاریخ اسلام و مدرس مدعو گروه معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان امام رضا(ع) اندیمشک. ایران.
M.mirzavand44@gmail.com

خشکسالی و شیوع بیماری‌های واگیردار، مهم‌ترین مخاطرات امنیتی حج در این دوره بوده‌اند. نتایج همچنین روشن می‌کنند که این بحران‌ها افزون بر تهدید جان و مال زائران، انسجام سیاسی خلافت را تضعیف کرده و باعث وقفه در برگزاری مناسک و افزایش هزینه‌های سفر شده است.

کلیدواژه: مناسک حج، چالش‌ها، تهدیدات امنیتی، دوره اول خلافت عباسی.

مقدمه

حج، به‌عنوان فریضه‌ای عبادی و رکن پنجم اسلام، همواره نقش و جایگاهی محوری در تقویت هویت دینی، انسجام اجتماعی و مشروعیت سیاسی در جهان اسلام داشته است. اهمیت این مناسک صرفاً به بعد معنوی آن محدود نمی‌شود، بلکه از حیث اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی طبیعی نیز کارکردی چند لایه و بنیادین داشته است.

در دوره نخست خلافت عباسی (۱۳۲ ـ ۲۳۲ق) خلفا کوشیدند با بهره‌گیری از ظرفیت‌های این فریضه مهم، اقتدار خود را در سراسر قلمرو اسلامی تثبیت، و مشروعیت خویش را تحکیم کنند. با این حال، دوره تأسیس و تثبیت این خلافت مملو از ناآرامی‌ها، بحران‌ها و تهدیدهای امنیتی بود؛ چالش‌هایی که نه تنها روند اجرای مناسک حج را دچار اخلال می‌کرد، بلکه امنیت مسیرهای زائران، نظم عمومی حجاز، شرایط دشوار طبیعی منطقه و اعتبار سیاسی حاکمیت مرکزی را به شدت تحت تأثیر قرار می‌داد. شناخت عمیق این چالش‌ها و تهدیدهای سیاسی، امنیتی و طبیعی برای تحلیل عملکرد سیاسی و مدیریتی خلفای عباسی در حفظ و تداوم این فریضه الهی ضرورتی انکارناپذیر است.

هدف از این پژوهش، ارائه تحلیل جامع از چالش‌ها و تهدیدهای سیاسی، امنیتی و طبیعی مناسک حج در دوره نخست خلافت عباسی است. در این پژوهش کوشیده‌ایم

با استناد به منابع تاریخی تصویری روشن از وضعیت بحران‌ها و تهدیدهای گسترده‌ای که این مناسک را در بر گرفته‌اند، ارائه کنیم. اهمیت این تحقیق در تبیین پیوند میان دین، سیاست، امنیت و عوامل طبیعی در دوره‌ای است که نقش مناسک حج در تثبیت قدرت سیاسی بسیار کلیدی بود.

سؤال اصلی پژوهش این است که مناسک حج در دوره نخست خلافت عباسیان (۱۳۲ـ۲۳۲ق) با چه چالش‌ها و تهدیدهای سیاسی، امنیتی و طبیعی مواجه بود و این تهدیدها چگونه بر مشروعیت و تداوم حکومت عباسی تأثیر گذاشت؟ فرضیه پژوهش بر آن است که در این دوره مجموعه‌ای از عوامل سیاسی (شورش علویان و مخالفان)، طبیعی (خشکسالی و قحطی)، اجتماعی (درگیری‌های قبیله‌ای) و اقتصادی (راهزنی و ناامنی راه‌ها) تهدیدهای گسترده‌ای را متوجه امنیت مناسک حج کرده‌اند. این عوامل نه تنها به اخلال در اجرای این فریضه مقدس انجامید، بلکه با تضعیف توانایی خلافت در تأمین امنیت زائران، بحران مشروعیت حکومت عباسی را تشدید کرد و اعتبار سیاسی آن را نیز به شدت مخدوش ساخت.

نتایج این پژوهش می‌تواند برای مورخان، پژوهشگران علوم اسلامی و علاقه‌مندان به تاریخ خلافت عباسی مفید باشد. محدوده زمانی تحقیق بین سال‌های ۱۳۲ تا ۲۳۲ قمری، و محدوده جغرافیایی پژوهش شامل مناسک حج و حوزه‌های مرتبط با آن در دوره نخست خلافت عباسی است. روش تحقیق نیز به صورت کتابخانه‌ای و با رویکرد تحلیلی ـ توصیفی انجام شده است.

پیشینه پژوهش

با توجه به بررسی جامع صورت گرفته در خصوص موضوع تحقیق حاضر، پیشینه پژوهشی مستقیمی که به طور جامع و تفصیلی به «**چالش‌ها و** تهدیدهای امنیتی مؤثر بر مناسک حج در دوره اول خلافت عباسی **(۱۳۲-۲۳۲ق)**» بپردازد یافت نشد. هر چند

برخی تحقیقات با عناوینی مرتبط با حج در دوره عباسیان وجود دارند که می‌توانند به‌عنوان مطالعات همسو یا مرتبط در نظر گرفته شوند و وجوه تمایز پژوهش حاضر را برجسته کنند:

سید جواد ورعی (۱۳۷۸) در مقاله «امارت حج و زعامت حجاج»، ضمن پرداختن به انتخاب امیرالحاج توسط حاکم اسلامی و تلاش برای اثبات آن با ذکر مثال‌ها و روایات، به طور مختصر به سیر تاریخی امیرالحاج و برگزاری حج از زمان پیامبر تا دوره امویان پرداخته و نامی از دوره عباسیان به میان نیاورده است. این مقاله با اینکه به دیدگاه برخی نویسندگان فقه شیعه در خصوص امیرالحاج اشاره کرده، بیشتر بر دیدگاه اهل تسنن تمرکز دارد و به ابعاد امنیتی و بحرانی حج در دوره عباسیان نمی‌پردازد.

مجتبی ذهابی و اکرم کرمعلی (۱۳۹۷) در مقاله «تبیین و تحلیل تاریخی کارکردهای سیاسی ـ اقتصادی حج در دوره عباسیان»، به مقوله حج در این دوره پرداخته‌اند. نویسندگان این مقاله با وجود پوشش کلی دوره عباسی، تمرکز خود را بر کارکردهای سیاسی و اقتصادی حج قرار داده و کمتر به تحلیل عمیق تهدیدهای امنیتی و پیامدهای آن بر مشروعیت حکومت عباسی پرداخته‌اند.

عباس موحدی‌نیا (۱۳۹۲) در مقاله «سیره و اقدامات خلفای عباسی عصر اول در مورد حج»، به موضوعی نزدیک به تحقیق حاضر پرداخته است. اما با وجود نزدیکی عنوان، بیشتر بر نقل قول‌هایی درباره فعالیت‌های عمرانی خلفا تمرکز کرده و فاقد تحلیل‌های عمیق از ماهیت و پیامدهای تهدیدهای امنیتی است.

سیدمحمود سامانی (۱۳۹۶) نیز در مقاله «پژوهشی درباره صاحب‌منصبان ایرانی در حرمین شریفین در عصر اول و دوم عباسی» به مسئله حج در دوره عباسیان پرداخته است. با این حال، تمرکز اصلی مقاله بر معرفی افراد صاحب‌منصب و اقدامات آنها در ارتباط با حج است و به جز اشاراتی مختصر درباره ابومسلم خراسانی، مطلب دیگری

که با پژوهش حاضر همخوانی داشته باشد، در آن یافت نمی‌شود.

پژوهش پیش‌رو با رویکردی کاملاً جامع و انتقادی به گردآوری و تحلیل چالش‌ها و تهدیدهای امنیتی حج در دوره اول خلافت عباسی می‌پردازد. نوآوری محوری این تحقیق در ارائه یک مدل تحلیلی جدید است: تلفیق عوامل سیاسی، اجتماعی و طبیعی که به طور متقابل بر امنیت حج تأثیر گذاشته‌اند. این پژوهش نه تنها ناامنی‌ها را توصیف می‌کند، بلکه با یک استدلال قاطع، ارتباط مستقیم این ناامنی‌ها با بحران مشروعیت بنیادین سیاسی عباسیان را تبیین می‌کند و بر تأثیر متقابل امنیت حج و مشروعیت حکومتی به مثابه یک دایره معیوب تأکید دارد. این نگاه چندبعدی، مقاله حاضر را از مطالعات پیشین، که بیشتر به ابعاد منفرد یا سطحی ناامنی‌ها پرداخته‌اند، متمایز می‌سازد و به فهم عمیق‌تری از چالش‌های حج در این دوره حساس کمک می‌کند.

۱.حَجّ: بررسی لغوی و اصطلاحی

«حَجّ» از ریشه «حجج» به معنای «قصد»، «نیت» و «آهنگ» است و عبارت «حَجَّهُ یَحُجُّهُ حَجًّا» نیز به قصد و آهنگ کردن اشاره دارد. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج۲، ص ۲۶۶) این واژه چهار ریشه معنای اصلی دارد: «قصد کردن که به معنای عام این واژه اشاره دارد، مربوط به حاجیان و زائران، دلالت بر راه راست و آشکار و اشاره به سال؛ زیرا حج یک بار در سال انجام می‌شود. (ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ج۲، ص ۲۹-۳۱)

راغب اصفهانی در تعریف اصطلاحی خود، حج را به معنای قصد رفتن به بیت‌الله الحرام و بهجا آوردن مناسک معین می‌داند و در ادامه، این مناسک را نشان‌دهنده خضوع و فروتنی در برابر خداوند معرفی می‌کند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص۲۱۸) در بررسی عرف، واژه «حاجّ» به افرادی اطلاق می‌شود که به خانه خدا سفر کرده‌اند. قلقشندی بیان می‌کند که در عرف عمومی، عنوان «حاجّ» به نمادی از احترام و جایگاه اجتماعی حاجیان تبدیل شده است. (قلقشندی، ۱۴۰۷ق، ج۶، ص ۱۰)

قرآن کریم به اهمیت و برکت خانه کعبه اشاره می‌کند و می‌فرماید: ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ﴾ (آل عمران:۳) تحلیل‌های ابن‌العبری نشان می‌دهد که حج تجسمی از خروج از دنیا و توجه به آخرت است و مناسک حج آزمونی برای سنجش میزان اطاعت بندگان از قوانین الهی محسوب می‌شود. (ابن‌العبری، ۱۳۶۴، ص۱۵۷)

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت واژه حج نمایانگر ابعاد متعدد لغوی، اصطلاحی و فرهنگی این فریضه است که آن را به یک تجربه عبادی و اجتماعی بی‌بدیل در فرهنگ اسلامی تبدیل کرده است.

۲. چالش‌ها و تهدیدات امنیتی حج در خلافت عباسی

دوره نخست خلافت عباسی (از ۱۳۲-۲۳۲ق) با وجود تلاش خلفا برای تثبیت قدرت و بهره‌برداری از اهمیت حج برای مشروعیت‌بخشی به حکومت، با ناامنی‌های گسترده‌ای در مسیرها و خود حرمین شریفین مواجه بود. این ناامنی‌ها ریشه در عوامل سیاسی، اجتماعی، طبیعی و اقتصادی داشت و هر یک به نوعی بر امنیت حج و نظم عمومی تأثیر می‌گذاشت. بر اساس تحلیل ارائه شده، این چالش‌ها در دو حوزه اصلی قابل بررسی هستند: تهدیدهای سیاسی و اجتماعی، و عوامل طبیعی و اقتصادی.

الف) تهدیدهای سیاسی و اجتماعی

مناسک حج در دوره نخست خلافت عباسی، به لحاظ سیاسی و اجتماعی، با چالش‌ها و بحران‌های مؤثری مواجه بود. بررسی شواهد و وقایع این حقیقت را اثبات می‌کند که بی‌ثباتی سیاسی ناشی از رقابت‌های داخلی و شورش‌های اجتماعی، مستقیماً امنیت زائران را تهدید، و فرآیند برگزاری مناسک حج را به شکلی عمیق دچار اخلال می‌کرد. این وضعیت، علاوه بر کاهش اعتماد عمومی به حکومت عباسی،

پیامدهایی منفی بر انسجام اجتماعی و معنوی امت اسلامی و کاروان‌های زیارتی تحمیل کرد که تبیین مصادیق این تهدیدها مستلزم بررسی مباحث زیر است:

یک - خشونت، سرکوب و ناامنی در مناسک حج

خلفای عباسی در آغاز خلافت خود، با هدف تثبیت قدرت و سرکوب مخالفان، اقدامات گسترده‌ای در مکه با هدف سرکوب و حذف فیزیکی مخالفان انجام دادند. این اقدامات خشونت‌آمیز تأثیر مستقیمی بر امنیت عمومی و به ویژه فضای معنوی و امنیتی حج بر جای گذاشتند. یکی از اقدامات مهم عباسیان در این زمینه، برخورد با بازماندگان بنی‌امیه بود. شواهد مبتنی بر منابع تاریخی حاکی از آن است که داوود بن علی، والی ابوالعباس سفاح در حجاز، به سرکوب مخالفان در مکه مبادرت ورزید و بسیاری از آنان را در موسم حج به قتل رساند یا زندانی کرد.

یعقوبی می‌نویسد: «چون موسم حج برگزار شد، داوود در تعقیب کسانی از بنی‌امیه که در مکه بودند برآمد و جماعتی از ایشان را کشت و جماعتی را به زنجیر کشید و به طائف فرستاد تا آنجا که کشته شدند» (یعقوبی، ۱۳۸۲، ج۲، ص ۵۳۳) این روایت تاریخی نشان می‌دهد که این اقدامات خشونت‌آمیز، که به ویژه در بستر مناسک حج با شدت عمل همراه بودند، تأثیر دوگانه بر جای نهاد. از سویی موجب ترس و ناامنی میان بازماندگان اموی در خانه امن الهی شد و از سویی دیگر فضای عمومی و روحانی حج را به شدت تحت تأثیر قرار داد. با اتکا به این شواهد، می‌توان گفت که عباسیان با بهره‌گیری از ابزار سرکوب، در پی آن بودند تا نشان دهند که هیچ مقاومتی در برابر قدرت نوظهور آنان تحمل نخواهد شد و حتی مکان مقدس مکه نیز از این سیاست مستثنا نیست. این رویکرد امنیتی، علاوه بر ایجاد ناامنی، عاملی برای افزایش نارضایتی عمومی و شکل‌گیری قیام‌های مردمی علیه عباسیان شد.

دو - ناآرامی‌ها و شورش‌های داخلی

قیام‌های داخلی ریشه در نارضایتی‌های سیاسی، اقتصادی و مذهبی داشتند و امنیت راه‌ها، شهر مکه و مسیر حاجیان را به خطر می‌انداختند. در ادامه به بررسی بخشی از این قیام‌ها، که ارتباط مستقیمی با مسئله حج دارند، می‌پردازیم:

قیام عبدالله بن حسن: مهم‌ترین تهدید سیاسی حج در این دوره، قیام عبدالله بن حسن (نفس زکیه) در سال ۱۴۵ قمری در مدینه بود. این قیام، که در مخالفت با حکومت منصور و با هدف احیای حکومت علویان صورت گرفت، امنیت حج و مسیرهای آن را به شدت مختل و ناامن کرد. منصور در واکنشی قاطع و برای مقابله با آن، مانع «ارسال خواربار به مدینه از راه دریا شد». (ابن خلدون، ۱۳۸۳، ج۲، ص۳۵۳؛ رک: داداش‌نژاد، ۱۳۹۲، ج۴، ص۴۲۸) شدت این محاصره و خشونت‌های ناشی از آن، بسیاری از مردم را به بهانه حج از منطقه فراری داد. همانطور که مسعودی گزارش می‌کند:

> وقتی کار محاصره بر محمد سخت شد، سرداران خود «ذریح» و «هرش» را دستور داد تا اموال و ذخایر کسان را از مسلمانان و غیر مسلمانان مصادره کند... مردم به بهانه حج گریختند، درحالی‌که قصد حج نداشتند، بلکه می‌خواستند از ذریح و هرش فرار کنند. (مسعودی، ۱۳۸۲، ج۲، ص۴۰۸)

منصور عباسی به دلیل ترس از تحرکات محمد و برادرش ابراهیم، که قصد جان او را داشتند، برای جلوگیری از تهدید علیه جان خود، تدابیر امنیتی شدیدی در مراسم حج اتخاذ کرد. (طبری، ۱۳۹۰، ج۱۱، ص۴۷_۴۹) این تهدیدها نشان می‌دهد که مراسم حج تنها یک فرصت عبادی نبود، بلکه عرصه‌ای سیاسی و محل حساسیت‌های امنیتی علیه خلیفه بود. گزارش ابن قتیبه دینوری این ادعا را تقویت می‌کند: منصور دستور داد

هنگام طواف بیت‌الله الحرام خالی شود و خود تحت مراقبت شدید مناسک و طواف هفتگانه حج را به جا آورد و حتی اعتراض افرادی مانند عبدالله بن مزروق ـ که گفت چه کسی تو را از این مردم سزاوارتر به این خانه گردانیده است؟! آنان را به سویی می‌نهی و بین آنان و این خانه فاصله میشوی؟ ـ موجب زندان شدن او شد. (دینوری، ۱۳۸۰، ج۱، ص ۳۷۴-۳۷۵)

این اقدامات سرکوبگرانه، که در بستر مناسک حج تجلی یافت، دو پیامد محوری داشت: از یک سو اضطراب و ناامنی روانی زائران را به شدت تعمیق بخشید و از سوی دیگر عمق نفوذ تهدیدهای سیاسی در حریم امن الهی را آشکار ساخت. تحمیل این فضای امنیتی عاملی شد تا این تدابیر به عنوان نقض حرمت مکان مقدس تعبیر شود و در بلندمدت اعتبار دینی و سیاسی دستگاه خلافت را میان جامعه اسلامی به شکلی بنیادین مخدوش کند.

قیام‌های ابن طباطبا و ابوالسرایا: قیام ابوالسرایا در سال‌های ۱۹۹ و ۲۰۰ قمری تأثیر عمیقی بر امنیت حج گذاشت. این قیام، که ریشه در بحران‌های سیاسی و مذهبی دوره عباسی داشت، نه تنها نظم حج را مختل کرد، بلکه شکاف‌های اجتماعی و سیاسی را در حجاز به شدت افزایش داد. مطالعه دقیق منابع متقدمی چون تاریخ طبری، الکامل ابن‌اثیر و تاریخ گردیزی به وضوح نشان می‌دهد که این تحولات چگونه ساختار امنیتی و اجتماعی حج را دگرگون نمود. گردیزی گزارش می‌دهد که ابوالسرایا از بزرگان خوارج و از فرزندان هانی بن قبیصه شیبانی، به امامت ابن طباطبا سپاهیان عباسی را شکست داد و بر سلاح و دارایی‌های آنان تسلط یافت. پس از آن با زهر دادن به ابن طباطبا، محمد بن علی بن زید علوی را به خلافت نشاند و نام مأمون را از خطبه‌ها حذف کرد[1]

۱. مخالفان عباسیان، با درک اهمیت حج به عنوان منبع مشروعیت و حیثیت خلافت، تلاش می‌کردند با ایجاد خلل و ناامنی در موسم حج و تصرف منابر و خطبه‌ها در مکه و مدینه، به جایگاه آنان ضربه بزنند. (ر.ک: ذهبی و کرمعلی، ۱۳۹۷، ص ۱۱۹)

و بر سکه نوشت: «ان الله یُحب الذین یُقاتلون فی سبیله صفاً کأنهم بنیان مَرصُوص». (گردیزی، ۱۳۸۴، ص۱۳۴)

شعله‌های قیام ابن طباطبا و ابوالسرایا پس از کوفه به مکه و حرمین شریفین نیز سرایت کرد. گردیزی گزارش می‌کند: ابوالسرایا در موسم حج کسی را به مکه فرستاد که امیر مأمون را بیرون کرد و به مدینه نیز حمله، و در نتیجه حج برای مردم تباه شد. (گردیزی، ۱۳۸۴، ص۱۳۴) طبق گزارش طبری، داوود بن عیسی، والی عباسی مکه، به جای ساماندهی مقاومت و دفاع از شهر، در مقابل حسین بن حسن افطس، فرمانده ابوالسرایا، مقاومت نکرد و به سرعت گریخت. (طبری، ۱۳۹۰، ج۱۳، ص ۵۶۳۴) این فرار، در جایی که انتظار می‌رفت قدرت نظامی و مشروعیت دینی عباسیان در اوج باشد، خلأ رهبری بزرگی ایجاد کرد.

مردم مکه برای برگزاری نماز و خطبه به محمد بن عبدالرحمن مخزومی، قاضی مکه، مراجعه کردند، اما او به دلیل بحران مشروعیت از امامت نماز خودداری کرد و گفت: «اکنون که امام گریخته... به نام کی سخنرانی کنم»؟ با وجود تلاش‌ها، قاضی از امامت خودداری کرد و طبق گزارش طبری، مردم در عرفه و به وقت نماز، امر نماز را به یکدیگر محول کردند و در نهایت یکی از مردم مکه نماز نیمروز و پسین را بدون سخنرانی برگزار کرد. (طبری، ۱۳۹۰، ج۱۳، ص ۵۶۳۴)

این وضعیت به معنای برگزاری نماز بدون امام منصوب بود و مهم‌ترین بخش نماز (خطبه)، که نماد اقتدار سیاسی و دینی حاکم است، اجرا نشد. این وضعیت علاوه بر ایجاد بی‌نظمی و هرج‌ومرج، که امنیت مراسم حج را به شدت تضعیف کرد، به وضوح نشان داد که مدیریت مناسک حج در آن سال کاملاً ناکارآمد بوده است.

به اعتقاد ما مردم با نگرانی و ترس از ناامنی نتوانستند آن آرامش قلبی و معنوی لازم را، که انتظارش داشتند، تجربه کنند. این شرایط نه تنها به اعتبار حج آسیب زد، بلکه

اعتبار دینی خلیفه را نزد توده مردم جهان اسلام، که مکه را آیینه حاکمیت می‌دانستند، به شدت مخدوش، و زمینه را برای شورش‌های بعدی فراهم کرد. علاوه بر آن، هجوم حسین بن حسن افطس در سال ۲۰۰ قمری با بی‌رحمی و غارت گسترده خانه‌های مردم به بهانه تعلق آنها به بنی‌عباس همراه شد. او حتی پرده کعبه را کند (ازرقی، بی‌تا، ج۱، ص۲۶۳) و میخ‌های زرین سر ستون‌ها را برداشت و اموال داخل حرم را میان یاران خود تقسیم کرد. (ابن اثیر، بی‌تا، ج۱۰، ص۲۵۷)

طبری با اندکی اختلاف گزارش می‌کند: «حسین افطس پرده کعبه را برکند و پرده دیگر را بر آن افکند... مردم از بیم او گریختند و مراسم حج به شدت مختل شد». (طبری، ۱۳۹۰، ج۱۳، ص۵۶۳۸) در کنار این بی‌حرمتی‌ها، اقدامات شنیع و ناپسند دیگر افطس، از جمله ربودن زنی از قبیله بنی‌فهر به قصد تمتع، باعث شد که او حمایت عمومی را از دست بدهد. این سطح از رفتارهای ناپسند و آشکار، اهل مکه را واداشت تا در حرم تجمع و تحصن کنند (ابن اثیر، بی‌تا، ج۱۰، ص۲۵۷-۲۵۸)

در واقع این شکست دوگانه- شکست حکومت در حفظ امنیت و شکست شورشیان در حفظ مقبولیت مذهبی- زمینه را برای یک واکنش صریح فراهم کرد. مردم مکه یک اقدام سیاسی صریح انجام دادند و محمد بن جعفر طالبی را به خلافت برگزیدند. این انتخاب، تجلی شکست فاحش حکومت مرکزی عباسی در برقراری نظم دینی و مدنی، و کاهش شدید اعتماد عمومی بود. انتخاب خلیفه علوی در قلب جهان اسلام، اعلام برائت سیاسی از مأمون و «چالشی جدی برای اقتدار او» بود. (داداش‌نژاد، ۱۳۹۲، ج۴، ص۴۴۲) اما سپاه عباسی به فرماندهی اسحاق بن میمون به جنگ او آمدند و محمد بن جعفر در یک نبرد شکست خورد. ابن جعفر به واسطه قاضی مکه از عباسیان امان خواست و همراه با یارانش از مکه پراکنده شدند. (طبری، ۱۳۹۰، ج۱۳، ص۵۶۳۸)

پس از آن، محمد بن جعفر خود را از خلافت عزل کرد و به همراه رجاء بن ابی‌ضحاک نزد خلیفه مأمون به خراسان فرستاده، و امنیت برقرار شد. (طبری، ۱۳۹۰، ج۱۳، ص۵۶۴۴) از سوی دیگر، پس از شکست ابوالسرایا[1] در جنگ با هرثمه (فرمانده اعزامی بنی‌عباس)، وی به کوفه پناه برد. اما شورشیان طالبی، که همراه او بودند، به غارت گسترده اموال و مزارع بنی‌عباس پرداختند. (طبری، ۱۳۹۰، ج۱۳، ص۵۶۳۳)

این آشوب‌ها علاوه بر ایجاد ناامنی در عراق، بر امنیت راه‌های منتهی به مکه نیز تأثیر گذاشت؛ چراکه هرثمه ادعا کرده بود امیرالحاج است و حجاجی را که از خراسان، جبال، جزیره، بغداد و دیگر مناطق آمده بودند و قصد حج داشتند نگه داشت و اجازه خروج نداد تا کوفه را بگیرد. (طبری، ۱۳۹۰، ج۱۳، ص۵۶۳۳؛ ابن اثیر، بی‌تا، ج۱۰، ص۲۵۲) در نهایت ناامنی‌های ناشی از این قیام‌ها و اقدامات خشونت‌آمیز، تأثیرات عمیقی بر امنیت و نظم در مناسک حج گذاشت و موجبات هرج‌ومرج و بی‌نظمی را به طور کامل فراهم کرد.

ب) عوامل طبیعی و اقتصادی

عوامل طبیعی و اقلیمی نقش برجسته‌ای در بروز بحران‌های امنیتی و چالش‌های مرتبط با مناسک حج در دوره نخست خلافت عباسی داشتند. با توجه به شرایط جغرافیایی و اقلیمی حجاز، ویژگی‌هایی چون خشکسالی‌های پیاپی، وقوع سیل، کمبود منابع آبی، گرمای طاقت‌فرسا و شورش‌های قبیله‌ای، تهدیدهای جدی برای امنیت و

۱. هرثمه وارد کوفه شد و ابوالسرایا فرار کرد. هرثمه به مردم امان داد و به کسی آزار نرسانید. ابوالسرایا از راه قادسیه به خوزستان و شوش رفت. در آنجا حسن بن علی مأمونی با او جنگید و ابوالسرایا را شکست داد. وی با حالت مجروح گریخت و چون خواست به رأس العین برود، حماد کندغوش او را اسیر کرد. کندغوش او را نزد حسن بن سهل در نهروان برد. حسن بن سهل ابوالسرایا را کشت و سرش را نزد مأمون (خلیفه) فرستاد. [مأمون] تن بی‌سر او را در بغداد بر سر پل آویخت. (ر.ک: ابن اثیر، بی‌تا، ج۱۰، ص۲۵۷-۲۵۸)

سلامت حاجیان به شمار می‌رفت که بر شکنندگی امنیت حجاج می‌افزود. این عوامل طبیعی علاوه بر ایجاد مشکلات مستقیم برای حجاج، کیفیت برگزاری مناسک حج را تحت تأثیر قرار داد و منجر به تضعیف زیرساخت‌ها و افزایش آسیب‌پذیری حجاج در برابر بحران‌ها می‌شدند. در ادامه، این عوامل در دو بخش اصلی، شامل عوامل طبیعی و عوامل اقتصادی، به‌شکلی جامع و تحلیلی بررسی می‌شوند:

یک - عوامل طبیعی

عوامل طبیعی در دوره نخست عباسی، به دلیل ساختار جغرافیایی منطقه و شرایط اقلیمی حجاز، نقشی تعیین‌کننده و تأثیرگذار در شکلگیری بحران‌های امنیتی و چالش‌های مرتبط با حج ایفا کردند. مهم‌ترین این عوامل عبارت است از:

خشکسالی و کمبود آب: کم‌آبی همواره مهم‌ترین تهدید طبیعی در مسیر حج بوده است؛ چالشی که امنیت و رفاه زائران را از دیرباز تحت‌الشعاع قرار می‌داد. در سال ۱۹۰ هجری، هم‌زمان با حج‌گزاری زبیده (همسر هارون‌الرشید)، سطح آب چاه زمزم به‌شدت کاهش یافت و مشکل‌آفرین شد. برای رفع این معضل، برای نخستین بار چاه زمزم لایروبی و ته‌زنی شد و با افزودن نُه ذراع به عمق آن، سطح آب به هجده ذراع رسید. (یعقوبی، ۱۳۸۲، ج۲، ص۴۴۱) این واقعه، نشان‌دهنده آسیب‌پذیری زیرساخت‌های آبی اماکن مقدسه در برابر تغییرات اقلیمی بود. این رخداد، زنگ خطری برای ضرورت مدیریت بلندمدت منابع آب محسوب می‌شد؛ اما با گذشت زمان، این بحران‌ها نه‌تنها فروکش نکرد، بلکه تشدید شد.

نمود عینی این تداوم در سال ۲۳۱ هجری آشکار شد؛ شدت خشکسالی به اندازه‌ای بود که واثق، خلیفه عباسی، به دلیل کمبود آب در مسیر مکه، از سفر حج منصرف شد. طبری و ابن اثیر گزارش کرده‌اند که وی عمر بن فرج را برای بازسازی راه‌ها و چاه‌ها گسیل داشت، اما پس از بازگشت او و تأیید کمبود شدید آب، خلیفه از

سـفر بازماند. (طبـری، ۱۳۹۰، ج۱۴، ص۵۹۸۰؛ ابن‌اثیر، بی‌تا، ج۱۱، ص۱۹۰) این تصمیم نمادی از اوج بحران زیرساختی بود.

پیامدهـای مرگبـار ایـن ضعـف مدیریـت در سـال ۲۳۲ هجـری در مسـیر بازگشـت حاجیـان از مکـه نمـود یافـت. در نزدیکـی ربذه، زائـران با بحران تشـنگی مواجه شـدند؛ به‌طوری که هر جرعه آب با بهای گزاف مبادله می‌شد و بسیاری بر اثر تشنگی و بیماری جـان باختند. (طبری، ۱۳۹۰، ج۱۴، ص۵۹۹۲) این فاجعه ناکارآمدی سـاختار حکومتی عباسیان را در مواجهه با بحران‌های طبیعی به تصویر کشید و نشان داد که چگونه فقدان برنامه‌ریزی راهبردی، به تلفات انسـانی و کاهش مشـارکت در مناسک حج می‌انجامد؛ ضعفی که زیرساخت‌های آبی و مدیریت خلفا را بیش از پیش زیر سؤال می‌برد.

گرمـا و شـرایط سـخت اقلیم: حجـاز به دلیـل موقعیـت جغرافیایی خـود آب‌وهوایی گرم و خشـک داشـت و سـفرهای طولانی حاجیان به این منطقه را دشوار می‌کرد. گرمای شـدید باعث گرمازدگی، خسـتگی و کاهش توان جسـمی کاروانیان حجاج می‌شد. «در سـال ۲۲۸ قمـری مـردم در مراسـم حج دچار گرما شـدند، به طـوری که هر یـک راویه (دو مشـک آب کـه بـار یک چهارپا باشـد) به چهـل درهم رسـید». (طبـری، ۱۳۹۰، ج۱۴، ص ۵۹۶۲؛ ابن‌اثیـر، بی‌تـا، ج۱۱، ص ۱۷۶) ایـن گرمای شـدید، به‌ویژه در مسـیرهای بیابانی، باعث مرگ‌ومیر بسـیاری از حاجیان شـد یا بسیاری دیگر را از ادامه سفر بازداشت. این واقعیـت، نیـاز به برنامه‌ریزی دقیق و تدارک امکانات مناسـب بـرای حفاظت از حجاج در برابر شـرایط سـخت اقلیمی را بیش از پیش نمایان می‌کرد. حکومت عباسی با وجود تلاش‌هایـی همچـون ایجاد سـایبان در مسـیرها و حفر چاه‌هـای جدید، بـه دلیل ابعاد گسترده مشکلات، محدودیت منابع و فواصل زیاد، قادر به جبران کامل آسیب‌ها نبود.

بیماری‌های ناشی از شرایط طبیعی: اوضاع سخت اقلیمی و کمبود منابع بهداشتی، زمینه‌سـاز شـیوع بیماری‌های واگیردار میان کاروان‌های حج بـود. این بیماری‌ها، که به

سرعت میان حجاج گسترش می‌یافتند، علاوه بر جان بسیاری از آنان موجب کاهش اعتماد عمومی به توانایی‌های حکومت عباسی در مدیریت بحران‌های مرتبط با حج می‌شدند. شرایطی مانند گرمای شدید، کمبود آب و استفاده از غذاهای فاسد شده در مسیرهای طولانی، محیط مساعدی برای شیوع بیماری‌های واگیردار فراهم می‌کرد. این وضعیت به وضوح ضرورت توجه به بهداشت عمومی و فراهم کردن خدمات درمانی مناسب برای حجاج را گوشزد می‌کرد.

ماوردی در تحلیل وظایف امیرالحاج بیان می‌کند که وی باید توانایی مقابله با مشکلاتی نظیر کمبود منابع غذایی و آب، بحران‌های طبیعی، و شورش‌های احتمالی را داشته باشد. (ماوردی، ۱۳۸۳، ص ۲۲۵-۲۲۶)

دو - عوامل اقتصادی و اجتماعی

عوامل اقتصادی نقش بسزایی در تأمین یا تهدید حج داشت. بحران‌های مالی، افزایش چشمگیر هزینه‌های سفر، راهزنی و شورش‌های قبیله‌ای از جمله مهم‌ترین عوامل اقتصادی و اجتماعی بودند که علاوه بر تحمیل فشار مالی بر حاجیان، امنیت جانی حاجیان آنان را نیز به مخاطره می‌انداختند و موجب ناپایداری مسیر حج می‌شدند.

قحطی و بحران اقتصادی: قحطی و کمبود منابع غذایی یکی از مشکلات مهم اقتصادی بود که کاروان‌های حج با آن مواجه بودند. قحطی باعث افزایش قیمت مواد غذایی و کمبود آذوقه برای حجاج می‌شد. در حج سال ۲۲۸ قمری قیمت مواد غذایی به شدت افزایش یافت و حاجیان مجبور بودند هزینه‌های گزافی برای تهیه آذوقه بپردازند. طبری و به پیروی از او ابن‌اثیر گزارش می‌دهد: «نرخ نان در راه مکه گران شد و یک رطل آن به یک درهم رسید». (طبری، ۱۳۹۰، ج۱۴، ص ۵۹۶۲؛ ابن‌اثیر، بی‌تا، ج۱۱، ص ۱۷۶) بر اساس این گزارش‌ها می‌توان گفت که بحران‌های اقتصادی نه تنها فشار

مالی شدیدی بر حجاج وارد می‌کرد، بلکه گویای آسیب‌پذیری ساختار تأمین مایحتاج عمومی در حج بود. این وضعیت موجب شد تا برخی از مردم از سفر حج منصرف شوند و در نتیجه تعداد شرکت‌کنندگان در مناسک حج کاهش یابد. همچنین با توجه به کمبود مواد غذایی که میان زائران مشاهده می‌شد، این احتمال وجود دارد که مرگ‌ومیر در میان آنان افزایش یافته باشد.

راهزنی و حملات مسلحانه: راهزنی یکی دیگر از تهدیدات جدی اقتصادی و امنیتی بود که کاروان‌های حج را هدف یغماگری قرار می‌داد. راهزنان، با حمله به کاروان‌های حجاج، اموال و دارایی‌های آنان را می‌دزدیدند و باعث ایجاد ترس و وحشت میان حجاج می‌شدند. راهزنان و گروه‌های مسلح همواره در مسیرهای طولانی حج، به دلیل عبور کاروان‌های بزرگ و ثروتمند از آن، کمین می‌کردند. یعقوبی می‌نویسد:

محمره (بلاد جبل) خروج کردند و راهزنی کردند و سر راه را بر حاجیان خراسان گرفتند و آنان را هزیمت کردند و جماعتی از ایشان را کشتند. پس معتصم اسحاق بن ابراهیم رئیس پلیس خود را به دفع و سرکوب آنها فرستاد و آنها را به سختی آرام ساخت. (یعقوبی، ۱۳۸۲، ج۲، ص ۵۳۳)

طبق این شواهد، راهزنی تنها یک معضل اقتصادی نبود، چالش امنیتی جدی‌ای بود که با ایجاد ترس و دلهره میان حجاج، اعتماد عمومی آنها را نسبت به امنیت مسیرهای حج از بین می‌برد. در این میان خلفای عباسی توجه ویژه‌ای به قضاوت و قانون‌گذاری در زمینه امنیت راه‌ها داشتند. قاضیان موظف بودند تا بر منافع عمومی نظارت، و از تجاوز به راه‌ها و حریم‌ها جلوگیری کنند. (ماوردی، ۱۳۸۳، ص۱۴۹) همچنین در این دوره و پس از آن مشاغلی مانند «والی بطریق مکه» و «والی الاحداث بالموسم» برای حفظ نظم عمومی و امنیت راه‌ها در مراسم حج ایجاد شد. (الطبری، بی‌تا، ج۹، ص۱۹۶؛ ر.ک: ساکت، ۱۳۶۵، ص۳۶۶) با وجود این ساختارها، حکومت

عباسی به منظور مقابله با این تهدیدات، نیروهای نظامی را در مسیرهای حج مستقر کرد؛ اما به دلیل گستردگی حملات و وجود مناطق دورافتاده، کنترل کامل این مسیرها به چالشی جدی تبدیل می‌شد.

شورش‌های قبیله‌ای: شورش‌های قبایل بادیه‌نشین، به عنوان یکی از موانع بزرگ امنیتی در مسیرهای حج ظاهر شد. این شورش ها اغلب به انگیزه نارضایتی سیاسی یا دستیابی به غنائم صورت میگرفت. (جعفریان۱۳۸۹، ص۴۱) چنین شورش‌هایی، نظم و امنیت مسیرهای حج را به هم می‌زد و باعث وارد آمدن تلفات جانی و مالی به حجاج می‌شد. نمونه بارز آن، سرکوب زُرَیق بن علی بن صدقه بود که در سال ۲۱۲ قمری در مناطق کوهستانی عراق به یاغی‌گری و غارت کاروان‌ها پرداخت. خلیفه مأمون محمد بن حمید الطائی را مأمور مقابله با وی کرد که در نتیجه زریق کشته، و امنیت مسیرها برقرار شد. (نظام‌الملک طوسی، ۱۳۸۰، ص۲۸۳)

در این دوره شورش‌ها به حدی جدی بود که گاه خلفا علی‌رغم اعلام قبلی قادر به شرکت در حج نبودند و رهبری کاروان را به دیگران واگذار می‌کردند تا پس از برقراری امنیت و آرامش، این مناسک انجام شود؛ برای نمونه، پس از درگذشت معتصم در سال ۲۲۷ قمری واثق، خلیفه بعدی که در سال اول خلافت خود قصد انجام دادن حج داشت، به دلیل ناآرامی‌های به وجود آمده در بغداد، سفر خود را به تأخیر انداخت و رهبری کاروان را به برادرش جعفر واگذار کرد (یعقوبی، ۱۳۸۲، ج۲، ص۵۰۶).

ناامنی ناشی از فعالیت قبایل بادیه‌نشین نیز از چالش‌های مستمر و جدی در مسیرهای حج بود که سلامت و جان حاجیان را تهدید می‌کرد. این قبایل، با تکیه بر ساختار قبیله‌ای و آشنایی کامل با مسیرهای حجاج در بیابان، «با نامهربانی و غارتگری» (p۳۵:۱۹۹۵,Ibrahim al-Ken) به ناامن کردن جاده‌ها می‌پرداختند. در سال ۲۳۰ قمری طوایف بنوسلیم از قیس در راه حجاز به راهزنی پرداختند و با غارت کاروانیان

و هجوم به بازارهای مدینه، عملاً مانع از انجام دادن مناسک حج توسط مردم شدند.[1] این رخدادها تنها تهدید امنیتی نبود، بلکه بیانگر شکنندگی ساختارهای امنیتی حکومت عباسی در مواجهه با قدرت اجتماعی و جغرافیایی قبایل است. بر اساس منابع تاریخی، این قبایل با غارت دهکده‌ها و آبگاه‌های واقع در مسیر مکه و مدینه، عملاً راه‌ها را چنان ناامن کردند که کاروانیان جرئت عبور از این مسیرها را نداشتند. (طبری، ۱۳۹۰، ج۱۴، ص۵۹۶۸-۵۹۶۹)

یعقوبی و نویسنده کتاب مجمل التواریخ و القصص گزارش می‌دهند که این شورش‌ها امنیت مسیرهای حج را به شدت تضعیف کرد و شورشیان بر حاجیان غلبه یافتند. اوج بحران جایی بود که شورشیان فردی از قبیله سلیم به نام عزیزه خوافی را به عنوان خلیفه معرفی کردند (یعقوبی، ۱۳۸۲، ج۲، ص۵۰۸؛ مجمل التواریخ والقصص، ۱۳۸۹، ص ۳۵۹) در واکنش به این بحران واثق اسحاق بن ابراهیم[2] رئیس شرطه را مأمور سرکوب شورش کرد. اقدامی که نشان می‌دهد حکومت ناچار بود در برابر تهدید مستقیم قبایل ابزارهای نظامی به کار گیرد. جالب آنکه اسحاق بن ابراهیم در آن سال به دلیل همین ناآرامی‌ها از جانب واثق به حج رفت. (یعقوبی، ۱۳۸۲، ج۲، ص۵۰۸)

سرکوب این حوادث هرچند اقتدار حکومت عباسی را نشان می‌داد، ضعف‌های اساسی در پیشگیری و برنامه‌ریزی امنیتی را نیز آشکار می‌کرد. وقتی تهدیدها به حدی

۱. برخی محققان معاصر عرب بر این باورند که این نخستین شورش غیر سیاسی قبایل بدوی حجاز در تاریخ اسلامی است. (ر.ک: سباعی، ۱۳۸۵، ص۱۹۵)

۲. طبری در این باره گفته است: «به دستور معتصم بُغای کبیر مأمور سرکوب آنها شد». سپس می‌نویسد: «به دنبال تشدید ناامنی، واثق در شعبان سال ۲۳۰ قمری بغای کبیر را برای سرکوب بنی‌سلیم اعزام کرد. پس از درگیری‌ها و اسارت تعدادی از افراد بنی‌سلیم، این قبیله سرانجام شکست خوردند. اسرای آنها در مدینه، در خانه یزید بن معاویه زندانی شدند و پس از آن راه برای سفر حج باز شد». (ر.ک: طبری، ۱۳۹۰، ج۱۴، ص۵۹۶۸-۵۹۷۰)

می‌رسند که انجام دادن مناسک حج باید تحت فرماندهی یک مأمور نظامی صورت گیرد، به وضوح می‌توان دریافت که دولت عباسی بیش از حد به ابزارهای سرکوب متکی بوده است. به نظر می‌رسد تلاش‌های صورت گرفته نتوانسته است به شکل ساختاری و پایدار با این بحران‌ها مقابله کند. بنابراین برای درک دقیق‌تر وضعیت امنیتی مسیرهای حج در این دوره باید به جای تمرکز صرف بر واکنش‌ها، به نبود یک راهبرد جامع و بلندمدت برای تأمین امنیت پایدار در برابر تهدیدهای قبیله‌ای توجه شود.

افزایش هزینه‌های سفر حج: افزایش هزینه‌های سفر حج، که ناشی از بحران‌های اقتصادی و ناامنی مسیرها بود، یکی دیگر از عوامل اصلی کاهش تعداد زائران بود. این هزینه‌های سنگین شامل تهیه غذا، آب و سایر نیازمندی‌ها می‌شد؛ به گونه‌ای که در موسم حج به دلیل کمبود و گرانی نان[1] و آب، قیمت تهیه آب تا بیست درهم افزایش می‌یافت، حال آنکه در فصول عادی سال همین میزان آب تنها نصف یا ثلث یک دینار قیمت داشت. (فاکهی، ۱۴۲۴ق، ج۳، ص۱۵۲) این وضعیت ضعف حکومت عباسی را در مدیریت اقتصادی و تأمین رفاه زائران در مراسم حج نشان می‌دهد و بر پیچیدگی‌های تأمین امنیت و نظم اقتصادی در مسیرهای حج می‌افزاید.

ج) عملکرد ضعیف امیرالحاج و چالش‌های امنیتی ـ سیاسی

منصب امیرالحاج ولایت سیاسی، امنیتی و مدیریتی بود و به توانایی فرد در هدایت، تدبیر و حفظ نظم بستگی داشت. وظایف او شامل تأمین نظم و امنیت کاروان‌ها، مدیریت منابع آب و علیق، حل اختلافات بین کاروانیان حج و نظارت بر اجرای صحیح مناسک حج بود. (ابن‌فرا، ۱۴۲۱ ق، ص ۱۰۸-۱۱۰؛ ماوردی، ۱۳۸۳، ص ۲۲۶) به نظر نگارنده، عملکرد امیرالحاج به گونه‌ای است که مستقیماً بر مشروعیت

۱. در بحث قحطی و بحران اقتصادی اشاره شد که «نرخ نان در راه مکه گران شد و یک رطل آن به یک درهم رسید». (ر.ک: طبری، ۱۳۹۰، ج۱۴، ص ۵۹۶۲؛ ابن‌اثیر، بی‌تا، ج۱۱، ص ۱۷۶)

سیاسی و مذهبی خلفا اثرگذار است؛ چراکه این منصب وسیله‌ای برای ارتباط مستقیم خلفا با مردم و تقویت جایگاه آنان در جامعه به شمار می‌رود.

منصب امیرالحاجی گاه با چالش‌های جدی امنیتی و سیاسی همراه بود و به کانون‌های تنش تبدیل می‌شد. نمونه بارز این وضعیت، اختلافات سیاسی شدید میان شخصیت‌های برجسته برای تصدی این مقام بود. اختلاف میان ابومسلم[1] خراسانی و ابوجعفر منصور نمونه‌ای از این تنش‌هاست که به وضوح نشان می‌دهد چگونه اختلاف بر سر این مقام میان ابومسلم خراسانی و ابوجعفر منصور، شکاف‌های عمیق در بدنه حکومت نوپای عباسی در خلافت سفاح را آشکار ساخت.

در سال ۱۳۶ قمری، هنگامی که ابومسلم با چهار هزار سوار به بغداد آمد و تقاضای امارت حج کرد،[2] منصور به سفاح هشدار داد که چنین انتصابی می‌تواند «فتنه‌ای برانگیزد که مردم را به سوی خلیفه‌ای دیگر از اهل بیت سوق دهد». (مستوفی، ۱۳۸۱، ص۲۹۲) در نهایت، همان طور که مؤلف مجمل التواریخ والقصص (۱۳۸۹، ص۳۲۴) ذکر کرده، سفاح با زیرکی این منصب را به منصور سپرد و به او سفارش کرد[3] که در سفر پیوسته مراقب ابومسلم باشد تا به علویان نپیوندد.

---

۱. بر اساس پژوهش سیدمحمود سامانی، در دوره اول خلافت عباسی چهار شخصیت ایرانی، شامل ابومسلم خراسانی، هیثم بن معاویه عتکی خراسانی، ابوعبدالله نافع بن ابی‌نعیم مدنی و حسن بن سهل، مسئولیت‌های رسمی یا تشرفیاتی در مکه و حرمین شریفین را بر عهده داشته‌اند. (سامانی، ۱۳۹۲، ص ۶۹-۷۳)

۲. ابومسلم از سفاح رخصت حج خواست و ابوجعفر منصور هم همراه وی حج گزارد. (ر.ک: یعقوبی، ۱۳۸۲، ج۲، ص۳۴۷)

۳. امیران حج دوره سفاح تا پیش از سال ۱۳۶ق: «در سال ۱۳۲ داود بن علی برای مردم حج گزارد؛ در سال ۱۳۳ زیاد بن عبیدالله حارثی؛ در سال ۱۳۴ عیسی بن موسی؛ در سال ۱۳۵ سلیمان بن علی». (ر.ک: یعقوبی، ۱۳۸۲، ج۲، ص۳۴۹)

با این حال طبری گزارش می‌دهد که ابومسلم در طول سفر حج، با اقدامات عام‌المنفعه (مانند کمک به بدویان و مرمت چاه‌ها و تعمیر راه‌ها) محبوبیت فراوانی کسب کرد. (طبری، ۱۳۹۰، ج ۱۱، ص ۴۶۹۲) این محبوبیت به باور ابن‌العبری، باعث نگرانی منصور شد و سرانجام به حذف ابومسلم انجامید.[۱] (ابن العبری، ۱۳۶۴، ص۱۸۱) فیرحی (۱۳۸۱، ص۱۸۸) نیز به درستی این اتفاق را «نمودی از تقابل دو جناح عرب و ایرانی در دولت جدید» توصیف می‌کند. این اختلاف‌ها نه تنها موجب کاهش هماهنگی سیاسی میان جناح‌های مختلف دولت عباسی شد، بلکه امنیت مراسم حج را نیز تحت تأثیر قرار داد. نمونه دیگری از ضعف عملکرد امیرالحاج، که تأثیر مستقیمی بر امنیت حجاج داشت، ضعف مدیریتی در مواجهه با بحران‌های طبیعی و تدارکاتی است. در سال ۲۲۸ قمری محمد بن داوود، امیرالحاج، با مشکلات متعددی مانند گرانی شدید مواد غذایی، وقوع سیل و سرمای شدید مواجه شد. در اثر بی‌تدبیری و عدم آمادگی امیرالحاج، تعدادی از حجاج در «جمرة العقبه» جان خود را از دست دادند. (طبری، ۱۳۹۰، ج۱۴، ص ۵۹۶۲؛ ابن اثیر، بی‌تا، ج ۱۱، ص۱۷۶)

این رویدادها نشان می‌دهد که این بحران‌ها موجب مرگ تعدادی از حاجیان شد و حتی در غیاب تهدیدهای نظامی، ضعف مدیریتی امیرالحاج می‌توانست امنیت و رفاه حاجیان را به خطر بیندازد. از دیدگاه این پژوهش، چنین فجایعی به مثابه یک

۱. در خصوص اختلاف بین منصور و ابومسلم روایت‌ها متفاوت است. گفته شده ابومسلم پس از بازگشت مردم از حج، پیش از ابوجعفر حرکت کرد و نامه‌ای درباره مرگ ابوالعباس و جانشینی ابوجعفر دریافت کرد که در آن تسلیت گفته، اما خلافت را تبریک نگفته و بازگشت (ر.ک: طبری، ۱۳۹۰، ج ۱۱، ص۴۶۹۲؛ ابن‌العبری،۱۳۶۴، ص۱۸۱) همچنین درباره امارت مصر و شام، ابومسلم خشمگین شد که به او این مناطق واگذار شده، درحالی‌که خراسان متعلق به او بود و قصد رفتن به خراسان کرد. به فرستاده منصور، یقطین، گفت: «چگونه بر خون‌ها امین است، اما در اموال خیانت‌کار و به ابوجعفر ناسزا گفت که یقطین به او رساند». (ر.ک: طبری، ۱۳۹۰، ج۱۱، ص۴۶۹۲)

بحران حکمرانی عمل کرده و مؤید این مطلب است که امیرالحاج باید توانایی مدیریت بحران‌های طبیعی و اجتماعی را داشته باشد تا بتواند از وقوع چنین پیامدهای منفی جلوگیری کند (ماوردی، ۱۳۸۳، ص۲۲۵)

در مجموع، ضعف مدیریتی امیرالحاج در دو سطح سیاسی و عملی، یکی از عوامل اصلی بی‌ثباتی امنیتی در مراسم حج در دوره عباسی به شمار می‌رود که نه تنها مشروعیت خلفا را تضعیف کرد، بلکه موجب بروز ناآرامی‌ها و مخاطرات جدی برای زائران شد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با اتکا به منابع دست اول تاریخی نشان داد که مناسک حج در دوره اول خلافت عباسی (۱۳۲-۲۳۲ق) نقطه تلاقی و پیوند حیاتی میان متغیرهای دین، سیاست، امنیت و عوامل طبیعی بوده است. این مناسک دینی، که نماد وحدت و عبادت مسلمانان بود، بستری حساس برای تثبیت قدرت سیاسی خلفا به شمار می‌آمد. مناسک حج در این دوره در معرض چالش‌ها و تهدیدهای امنیتی متعددی بود که عمدتاً ریشه در عوامل سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و طبیعی داشت. این تهدیدها نه تنها اجرای این فریضه دینی را با موانع جدی مواجه ساخت، بلکه به یکی از عوامل مهم در سنجش مشروعیت حکومت عباسی تبدیل شد.

در بحث عوامل سیاسی: قیام‌های مخالفان، به ویژه علویان و بقایای امویان، با بهره‌گیری از فرصت تجمع سالانه حجاج به مقابله با حاکمیت مرکزی پرداختند. این شورش‌ها و تهدیدهای ناشی از آنها، مانند قیام نفس زکیه در مدینه (۱۴۵ق) و شورش ابنطباطبا یا ابوالسرایا (۱۹۹-۲۰۰ق) منجر به فرار مردم از حج و ایجاد هرج و مرج در برگزاری مناسک شد. از سویی دیگر اقدامات امنیتی شدید و گاه خشونت‌آمیز خلفای عباسی در حرمین، بر دامنه این ناامنی‌ها افزود.

در موضوع عوامل طبیعی و اقلیمی: شرایط آب و هوایی سخت حجاز، شامل بارندگی‌های شدید، خشکسالی‌های مکرر (مانند سال ۲۳۱ق)، گرمای طاقت‌فرسا و شیوع بیماری‌ها تلفات جانی زائران را تشدید کرد. این بحران‌ها که با ضعف مدیریت منابع همراه بود، گاه خلفا را مجبور به لغو سفر حج می‌کرد و توانایی حکومت در اداره امور را زیر سؤال می‌برد و تصویر ضعف از آن در اذهان امت مسلمان پدید می‌آورد.

عوامل اجتماعی و اقتصادی: راهزنی سازمان‌یافته در مسیرهای اصلی حج و شورش‌های قبیله‌ای (مانند طایفه قیس در ۲۳۰ق) امنیت جانی و مالی زائران را به شدت تهدید می‌کرد. این ناامنی‌ها، که ناشی از ضعف کنترل مرکزی بر مناطق دورافتاده بود، هزینه‌های سفر حج را افزایش می‌داد و بسیاری از مسلمانان را از انجام دادن این فریضه باز می‌داشت. عملکرد نادرست برخی امیران حج (مانند محمد بن داوود در سال ۲۲۸ق) و اختلافات سیاسی بر سر این منصب (نظیر رقابت ابومسلم و منصور) نیز بروز بحران‌های امنیتی را تشدید می‌کرد.

این چالش‌ها که ناشی از تعامل پیچیده متغیرهای سیاسی، طبیعی، اجتماعی و اقتصادی بود، سه پیامد کلیدی برای حکومت عباسی در پی داشت:

۱.ایجاد بحران مشروعیت: ناتوانی در تأمین امنیت حج، که از وظایف اصلی و نمادین خلفا محسوب می‌شد، اعتبار حکومت عباسی را خدشه‌دار ساخت و مشروعیت دینی و سیاسی آنها را زیر سؤال می‌برد و از دو طریق به اوج می‌رسید:

الف) ناکارآمدی سیاسی ـ نظامی در سرکوب شورش‌ها و تأمین امنیت مسیرهای حج.

ب) ناتوانی حکومت در مدیریت بحران‌های طبیعی (مانند خشکسالی، قحطی، تأمین منابع حیاتی مانند آب و غذا در مسیر حج) که ضعف زیرساختی و ناکارآمدی در اداره امور رفاهی حجاج را آشکار می‌ساخت.

۲.تضعیف حاکمیت مرکزی: شورش‌ها و ناآرامی‌ها در نقاط مختلف قلمرو نشان‌دهنده ضعف کنترل عباسیان بر مناطق دورافتاده و ناتوانی در اعمال قدرت مرکزی بود. این ضعف در اوضاع بحران‌های طبیعی (مانند قحطی) تشدید، و به افزایش شورش‌های قبیله‌ای (مانند طوایف قیس) و راهزنی منجر می‌شد و حلقه واسط میان بحران اقلیمی و بحران امنیتی ـ سیاسی بود.

۳.کاهش مشارکت مردمی: بحران‌های اجتماعی و ناامنی‌های ناشی از بی‌ثباتی امنیتی، همراه با نوسانات اقلیمی و کمبود منابع، سبب کاهش تعداد حجاج می‌شد و در نتیجه نفوذ سیاسی و اجتماعی خلفا نیز کاهش می‌یافت؛ به عبارت دیگر، مشکلات اقتصادی و ناامنی به صورت مستقیم مشارکت مردمی را کاهش دادند و این روند باعث تضعیف جایگاه حکومت شد.

در مواجهه با این چالش‌ها، عباسیان با اتخاذ سه راهبرد اصلی اقدامات نظامی (سرکوب شورش‌ها)، عمرانی (احداث چاه‌ها و راه‌ها به عنوان واکنشی به چالش‌های طبیعی و زیرساختی) و تبلیغاتی (بهره‌گیری نمادین از حج و خودنمایی به عنوان حافظان حرمین) سعی در مدیریت این بحران‌ها داشتند. با این حال تداوم این مشکلات نشان می‌دهد که امنیت حج در این دوره به شدت وابسته به ثبات سیاسی، طبیعی و اجتماعی و کارآمدی حکومت مرکزی در مدیریت همزمان این تهدیدها بود. این رابطه متقابل میان مناسک دینی و امنیت سیاسی، الگویی کلیدی برای فهم تحولات تاریخ اسلام در این مقطع حساس به دست می‌دهد.

در خاتمه نیز برای تحقیقات آتی، دو رویکرد اصلی به پژوهشگران پیشنهاد می‌شود:

۱. مطالعه تطبیقی: مقایسه چالش‌های امنیتی حج در این دوره با دوره‌های مشابه تاریخی در جهان اسلام (مانند دوره امویان، فاطمیان و...)، به شناسایی الگوهای

تکرارشونده و عوامل منحصر به فرد کمک می‌کند، و درک عمیق‌تری از رابطه دین، سیاست و امنیت در جهان اسلام ارائه می‌کند.

۲. تحلیل عمیق‌تر پیامدها: بررسی جزئی‌تر تأثیر ناامنی حج بر جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی (مناسک، هویت‌های محلی، روایات) و اقتصادی (نقش تجار، تأثیر قحطی بر بازارهای محلی و هزینه‌ها) برای غنی‌سازی درک از ابعاد این بحران‌ها ضروری است.

منابع

الف) کتاب

*قرآن کریم

۱. ابن‌اثیر، عزالدین (بی‌تا)، تاریخ کامل، ترجمه عباس خلیلی، تصحیح مهیار خلیلی، تهران: شرکت سهامی چاپ و کتب ایران.

۲. ابن‌خلدون، محمد بن عبدالرحمن (۱۳۶۴)، العبر و دیوان المبتدا و الخبر فی ایام العرب و العجم و البربر (تاریخ ابن‌خلدون)، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

۳. ابن‌العبری، غریغوس ابوالفرج اهرون (۱۳۶۴)، تاریخ مختصر الدول، ترجمه محمدعلی تاج‌پور و حشمت‌الله ریاضی، چاپ اول، تهران: انتشارات اطلاعات.

۴. ابن‌فارس، ابوالحسین احمد (۱۳۹۹ق)، معجم مقاییس اللغة، تصحیح و تعلیق عبدالسلام محمد بن هارون، بیروت: دارالفکر.

۵. ابن‌فراء، محمد بن حسین (۱۴۲۱ق)، الاحکام السلطانیه للفراء، تصحیح و تعلیق محمد حامد الفقی، چاپ دوم، بیروت: دارالکتب العلمیه.

۶. ابن‌قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم (۱۳۸۰)، امامت و سیاست (تاریخ خلفا)، ترجمه ناصر طباطبایی، تهران: انتشارات ققنوس.

۷. ابن‌منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان‌العرب، بیروت: دارصادر.

۸. ازرقی، محمد بن عبدالله (بی‌تا)، اخبار مکه و ماجاء فیها من الآثار، بیروت: دارالأندلس للنشر.

۹. جعفریان، رسول (۱۳۸۹)، راه حج، چاپ اول، تهران: انتشارات زیتون سبز.

۱۰. داداش‌نژاد، منصور (۱۳۹۲)، «بنی‌عباس: خاندانی حکومتگر از نوادگان عباس عموی پیامبر و بانی برخی اقدامات در حرمین»، دانشنامه حج و حرمین شریفین، چاپ اول، جلد ۴ (بدرقه- بین‌الحرمین)، تهران: انتشارات مشعر، ص ۴۲۳-۴۴۹.

۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن،

تصحیح و تعلیق صفوان عدنان الداودی، چاپ اول، دمشق و بیروت: دارالقلم و دارالشامیه.

۱۲. ساکت، محمدحسین (۱۳۶۵)، نهاد دادرسی در اسلام، چاپ اول، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

۱۳. سباعی، احمد (۱۳۸۵)، تاریخ مکه از آغاز تا پایان دولت شرفای مکه (۱۳۴۴ق)، ترجمه رسول جعفریان، چاپ اول، تهران: انتشارات مشعر.

۱۴. طبری، محمد بن جریر (۱۳۹۰)، تاریخ طبری (الرسل والملوک)، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ نهم، تهران: انتشارات اساطیر.

۱۵. ـــــــــ (بی‌تا)، تاریخ الطبری (تاریخ الامم و الملوک)، تصحیح و تعلیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالتراث العربی.

۱۶. فاکهی، محمد بن اسحاق (۱۴۲۴ق/ ۲۰۰۳م)، اخبار مکه فی الدهر و حدیثه، تصحیح و تعلیق عبدالملک بن عبدالله بن دهیش، مدینه: مکتبه الاسدی.

۱۷. فیرحی، داوود (۱۳۸۱)، قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام (دوره میانه)، تهران: انتشارات نی.

۱۸. قلقشندی، ابوالعباس احمد بن علی (۱۴۰۷ق)، صبح‌الاعشی فی صناعة الانشاء، بیروت: دارالکتب العلمیه.

۱۹. گردیزی، عبدالحی بن ضحاک (۱۳۸۴)، زَین‌الاخبار، به اهتمام رحیم رضازاده ملک، چاپ اول، تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

۲۰. ماوردی، علی بن محمد (۱۳۸۳)، آیین حکمرانی، ترجمه و تحقیق حسین صابری، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

۲۱. مجمل‌التواریخ و القصص (۱۳۸۹)، به تصحیح ملک‌الشعرای بهار، تهران: انتشارات اساطیر.

۲۲. مستوفی، حمدالله (۱۳۸۱)، تاریخ گزیده، به اهتمام عبدالحسین نوائی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات امیرکبیر.

۲۳. مسعودی، علی بن حسین (۱۳۸۲)، مروج‌الذهب و معادن الجوهر،

ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ هفتم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

۲۴. نظام‌الملک طوسی، حسن بن علی (۱۳۸۰)، سیاست‌نامه، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، چاپ چهارم، تهران: انتشارات اساطیر.

۲۵. یعقوبی، احمد بن اسحاق (۱۳۸۲)، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، چاپ نهم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

ب) مقالات

۱. ذهابی، مجتبی و کرمعلی، اکرم (۱۳۹۷)، «تبیین و تحلیل تاریخی کارکردهای سیاسی- اقتصادی حج در دوره عباسیان»، فصلنامه میقات حج، س۲۷، ش۱۰۵، ص ۱۱۱-۱۲۶.

۲. سامانی، سیدمحمود (۱۳۹۶)، «پژوهشی درباره صاحب‌منصبان ایرانی در حرمین شریفین در عصر اول و دوم عباسی»، فصلنامه پژوهشنامه حج و زیارت، سال ۲، ش۴، ص ۶۷-۸۸.

۳. موحدی‌نیا، عباس (۱۳۹۲)، «سیره و اقدامات خلفای عباسی عصر اول در مورد حج»، فصلنامه فرهنگ پژوهش، ش۱۳، ص ۷۳-۱۱۰.

۴. ورعی، سیدجواد (۱۳۷۸)، «امارت حج و زعامت حجاج»، فصلنامه میقات حج، دوره ۸، ش۳۰، ص ۷۵-۱۰۲.

منابع لاتین

5. .Ibrahim al-Ken, Akeel (1995). “The Hajj: Past, Present, and Future”. Ph.D. thesis, University of Leeds.

جدول ۱: چالش‌های کلی مؤثر بر مناسک حج در دوره اول خلافت عباسی

دسته بندی چالش ها	چالش	نوع چالش و مصادیق	منبع و مرجع آن
اقلیمی	خشکسالی	در سال ۲۳۱ ق، واثق به دلیل کمبود آب در مسیرهای حج از انجام حج خودداری کرد.	ابن‌اثیر، بی‌تا، ج۱۱، ص ۱۹۰
	گرما و شرایط سخت اقلیم	در سال ۲۲۸ ق، مردم در مراسم حج به دلیل گرمای شدید دچار مشکلاتی شدند و هزینه آب به شدت افزایش یافت.	ابن‌اثیر، بی‌تا، ج۱۱، ص ۱۷۶
	شیوع بیماری‌های واگیردار	شرایط سخت اقلیمی و کمبود منابع بهداشتی منجر به شیوع بیماری‌ها در میان حجاج شد.	ماوردی، ۱۳۸۳، ص ۲۲۵-۲۲۶
اقتصادی	قحطی و بحران اقتصادی	در حج سال ۲۲۸ ق، قیمت مواد غذایی به شدت افزایش یافت و حاجیان مجبور به پرداخت هزینه‌های گزاف شدند.	طبری، ۱۳۹۰، ج۱۴، ص ۵۹۶۲
	راهزنی و حملات مسلحانه	راهزنان به کاروان‌های حجاج حمله کرده و اموال آنها را به سرقت می‌بردند، که موجب ترس و اضطراب در بین حجاج می‌شد.	یعقوبی، ۱۳۸۲، ج۲، ص ۵۳۳
	افزایش هزینه‌های سفر	افزایش هزینه‌ها به دلیل بحران‌ها ی اقتصادی و ناامنی مسیرها، موجب کاهش تعداد زائران شد.	ابن‌اثیر، بی‌تا، ج۱۱، ص ۱۷۶
سیاسی	ناپایداری‌های سیاسی	قیام عبدالله بن حسن (نفس زکیه) در سال ۱۴۵ ق، امنیت حج و مسیرهای آن را مختل کرد.	ابن خلدون، ۱۳۸۳، ج۲، ص۳۵۳
	سرکوب مخالفان	داوود بن علی، والی ابوالعباس سفاح، بسیاری از مخالفان را در موسم حج کشت یا زندانی کرد.	یعقوبی، ۱۳۸۲، ج۲، ص ۵۳۳
	قیام‌های داخلی	قیام‌های ابن طباطبا و ابوالسرایا در سال‌های ۱۹۹ و ۲۰۰ ق، امنیت مناسک حج را به شدت تحت تأثیر قرار داد.	طبری، ۱۳۹۰، ج۱۳، ص ۵۶۳۴
اجتماعی	نارضایتی عمومی	اقدامات سرکوب‌گرانه خلفای عباسی و خشونت‌ها منجر به کاهش اعتماد عمومی به حکومت و نارضایتی در میان حجاج شد.	طبری، ۱۳۹۰، ج۱۱، ص ۴۷۴۹
	بی‌نظمی و هرج‌ومرج	در سال ۲۰۰ ق، به‌دلیل قیام حسین بن حسن افطس، مراسم حج با هرج‌ومرج و بی‌نظمی روبه‌رو شد.	طبری، ۱۳۹۰، ج۱۳، ص ۵۶۳۸

جدول ۲: چالش‌های سیاسی و اجتماعی مؤثر بر مناسک حج

چالش	سال	خلیفه	توضیحات	منبع
سرکوب مخالفان	۱۳۲-۱۳۵ق	ابوالعباس سفاح	داوود بن علی، والی سفاح، در موسم حج به سرکوب مخالفان بنی‌امیه پرداخت و بسیاری از آنان را کشت یا زندانی کرد.	یعقوبی، ۱۳۸۲، ج۲، ص ۵۳۳
قیام عبدالله بن حسن (نفس زکیه)	۱۴۵ق	منصور عباسی	قیام در مدینه که به اختلال در امنیت حج و مسیرهای آن منجر شد و منصور برای مقابله با آن مانع ارسال خواربار به مدینه شد.	ابن خلدون، ۱۳۸۳، ج۲، ص ۳۵۳
قیام‌های ابن طباطبا و ابوالسرایا	۱۹۹-۲۰۰ق	مأمون عباسی	این قیام‌ها امنیت مناسک حج را تحت تأثیر قرار داد و به هرج و مرج و بی‌نظمی منجر شد.	طبری، ۱۳۹۰، ج۱۳، ص ۵۶۳۴
شورش‌های داخلی	۲۰۰ق	مأمون عباسی	شورش حسین بن حسن افطس باعث افزایش ناامنی و اختلال در برگزاری مناسک حج شد.	ابن اثیر، بی‌تا، ج۱۰، ص ۲۵۷-۲۵۸

جدول ۳: تأثیرات بر امنیت و رفاه حجاج

عامل	سال	تأثیرات	منبع
شیوع بیماری‌های واگیردار	-	شرایط سخت اقلیمی و کمبود منابع بهداشتی منجر به شیوع بیماری‌ها در میان حجاج شد.	ماوردی، ۱۳۸۳، ص ۲۲۵-۲۲۶
بی‌نظمی و هرج‌ومرج	۲۰۰ق	به دلیل قیام حسین بن حسن افطس، مراسم حج با هرج‌ومرج و بی‌نظمی مواجه شد.	ازرقی، بی‌تا، ج۱، ص ۲۶۳
کاهش اعتماد عمومی	-	نارضایتی عمومی و کاهش اعتماد به حکومت عباسی به دلیل سرکوب‌ها و ناامنی‌ها.	طبری، ۱۳۹۰، ج۱۱، ص ۴۷۴۹

جدول ۴: چالش‌های طبیعی و اقتصادی مؤثر بر مناسک حج

چالش	سال	خلیفه	توضیحات	منبع
خشکسالی و کمبود آب	۱۹۰ق	هارون الرشید	در این سال، سطح آب چاه زمزم به شدت پایین آمد و برای نخستین بار چاه را ته‌زنی کردند.	یعقوبی، ۱۳۸۲، ج۲، ص ۴۴۱
خودداری از انجام دادن حج	۲۳۱ق	واثق عباسی	واثق به دلیل کمبود آب در مسیرهای حج از انجام دادن فریضه حج خودداری کرد.	طبری، ۱۳۹۰، ج۱۴، ص ۵۹۸۰
گرما و شرایط سخت اقلیم	۲۲۸ق	واثق عباسی	در مراسم حج مردم دچار گرما شدند و قیمت آب به شدت افزایش یافت.	طبری، ۱۳۹۰، ج۱۴، ص ۵۹۶۲
قحطی و بحران اقتصادی	۲۲۸ق	واثق عباسی	قیمت مواد غذایی به شدت افزایش یافت و زائران مجبور به پرداخت هزینه‌های گزاف شدند.	فاکهی، ۱۴۲۴ق، ج۳، ص۱۵۲
راهزنی و حملات مسلحانه	۲۲۷-۲۲۸ق	معتصم- واثق	راهزنان به کاروان‌های حجاج حمله کرده و اموال آنان را به سرقت بردند.	یعقوبی، ۱۳۸۲، ج۲، ص ۵۰۸؛ مجمل التواریخ و القصص، ۱۳۸۹، ص ۳۵۹

جدول ۵: بحران‌ها ی اقتصادی مؤثر بر مناسک حج

عامل	سال	توضیحات	منبع
افزایش هزینه‌های سفر حج	۲۲۸ق	به دلیل قحطی و گرانی مواد غذایی، زائران مجبور به پرداخت هزینه‌های گزاف برای تأمین نیازهای خود بودند.	طبری، ۱۳۹۰، ج۱۴، ص ۵۹۶۲
راهزنی و ناامنی		حملات راهزنان به کاروان‌ها، ترس و وحشت در میان حجاج ایجاد کرد و بر امنیت سفر تأثیر منفی گذاشت.	یعقوبی، ۱۳۸۲، ج۲، ص ۵۳۳
قحطی و بحران اقتصادی	۲۲۸ق	قحطی منجر به افزایش قیمت نان و دیگر مواد غذایی شد و به کاهش تعداد زائران انجامید.	ابن‌اثیر، بی‌تا، ج۱۱، ص ۱۷۶